



سال پنجم

اسفند ماه ۱۳۱۶

شماره ۱۰

مثنوی و مثنوی گویان ایرانی

بقلم آقای محمد علی تربیت

نماینده محترم مجلس

۸

(۳۰) مولانا جلال الحق و ائمه و والدین محمد بن محمد بن حسین بر احمد
الخطیبی الباقی البکری المدعو بالولوی است که مثنوی معنوی مشهور را در بحر
رمل موزون فرموده و این مطالع دره کناج اوست :
بشو از نی چون حکایت میکند وز جداییها شکایت میکند
کز نیستان نامرا بریده اند از نفیرم مرد و زن نالیده اند

این مثنوی علی الاطلاق مشهور آفاق که عبارت از صحائف اسرار الهی
و دفاتر معارف لابتنهای بوده و جامع مخصوص از باب خصوص و جواهر اسرار خصوص
است نتیجه و باثرب مطالعه و تبعات شصت و هشت ساله دوره حیات حضرت مولوی
است که قریب بشش یک عمر و زندگانی خود را بنالیف و تنظیم آن پرداخته و این
سفته بر از حقایق را که بالتماس خلیفه و جانشین خود چلبی حسام الدین ارموی
بیکس خطابه و محاضره القاء فرموده و ایشان مینوشته و پس از تحریر با نغمه و
سرود میخوانده است و بناینگارش فریدون سپهسالار « عنایتی که حضرت خداوندگار
قدس سره را بحضورشان ود بهیچ یکی از خلفا نبوده است و ساوک بدیشان بوجهی
میفرمودند که کسی گهن ردی که مگر مرید ایشان است » و در دفاتر مثنوی هم
در حق وی چنین فرموده اند :

ای ضیاء الحق حسام‌الدین نوئی	که گذشت از مه بنورت منوی
همت عالی نوای مرنجی	میگشد اینرا خدا داند کجا
کردن این متنوی را بسنه	میگشی آسو که تو دانسته
همچنان مقصود من زین متنوی	ای ضیاء الحق حسام‌الدین نوئی
متنوی اندر فروع و در اصول	جمله آن تست و کردستی قبول
قصدم ارالفاظ او راز تو است	قصدم از انشائش آواز تو است
پیش من آوازت آواز خداست	عاشق از معشوق حاشا کی جداست
گر نبودی خلق محجوب و کثیف	ور نبودی حلقها تنک و ضعیف
در مدیحت داد معنی دادمی	غیر این منطق لمی بگشادمی
مدح توحیف است بازندانیان	گویم اندر مجمع روحانیان

مجموع متنوی باندازه بیست و پنجهزار و ششصد و سی دو بیت است درشش دفتر و بقول شیخ بهاء‌الدین عاملی این مجموعه تفسیر بمنزله قرآن در زبان پهلوی است و آنرا جمع کثیری از مشاهیر عرفا و فضلا شرحها نوشته و یا مشکلات ابیات و معضلات کلمات آنرا تفسیر و توضیح کرده اند و جمعی دیگر قسمتهائی مختلف از این منظومه برگزیده و عده‌ای از متنوی گویان هم نظر و امثالی در مقابل آن ساخته اند. راجع بتراجم احوال خود مولوی و خلفای ایشان و تاریخ تأسیس این سلسه و آداب طریقه سیر سلوک آنان و شروح آثار و افکار مولوی و مولویان نیز کتب ریادی تألیف شده است. بعضی از آنها را برای استحضار خاطر متتبعین بطور اختصار اشاره نموده و نظایر آن هم در جای خود ذکر خواهد شد.

(۱) سلطان ولد، پسر مولانا اول کسی است که شرح حال پدر خود و بعضی از ندماء و خواص آن بزرگوار را در متنوی مشهور بولدنامه بنظم آورده است. نسخه‌ای از این در نزد نگارنده و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مجلس ملی است.

(۲) فریدون بن احمد معروف به سپهسالار هم که چهل سال در مجالس و محافل حضرت مولوی حاضر و نظر بوده است مناقب مولوی را بطور اختصار تا فوت عارف چلبی (۷۱۹) نوشته که با انزوج المناقب افلاکی سال ۱۳۱۹ در کانپور چاپ شده و نایاب است. ترجمه ترکی آن نیز در سنه ۱۳۳۱ بطبع رسیده است.

(۳) شمس‌الدین احمد افلاکی از مریدان عارف چلبی هم با اشاره آن

مرشد کتابی بعنوان مناقب العارفين و مراتب الكاشفين در تاریخ ۷۱۸ شروع کرده که مشتمل بر شرح حال سلطان العلماء . محقق ترمذی . جلال الدین مولوی . شمس تبریزی . صلاح الدین زر کوب . حسام الدین چلبی . سلطان ولد . عارف چلبی . عابد چلبی . و اسامی اولاد او بوده . کتاب زادر سنه ۷۵۴ خاتمه داده است . نسخه ای از این در مجلس شورای ملی است .

۴) کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی (۸۳۹ شهید شده) از تلامذه ابوالوفاء معروف هم شرحی بعنوان جواهر الاسرار و زواهر الانوار بر مثنوی تألیف کرده است نسخه ای از این در کتابخانه های دانشکده معقول و منقول و مجلس ملی در طهران و در کتابخانه های خدیوی مصر و لایسالمبیل و عمومی در استانبول و اود هندوستان و ملی پاریس و بریتش موزئوم لندن موجود است و این مؤلف صاحب تألیفات و مثنویها بوده و در جای خود ذکر خواهد شد .

۵) سید نظام الدین محمود ملقب بداعی الی الله شیرازی (۸۱۷) است که حواشی و تعلیقاتی بر مثنوی نوشته و نسخه ای از این در کتابخانه اود هندوستان موجود است .

۶) عبدالحمید بن معین الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قتالی رفاعی تبریزی هم شرحی بعنوان کشف اسرار معنوی در شرح آیات مثنوی نوشته است نسخه ای از آن در کتابخانه های اود هندوستان و بریتش موزئوم لندن موجود است .

۷) علاء الدین علی بن محمد الدین محمد شاهرودی (۸۷۵ - ۸۰۳) معروف به مصنفک^۱ نیز زبان فارسی شرحی بر مثنوی نوشته است .

۸) کمال الدین حسین بن علاء البیهقی المدعو بکاشفی هم کتابی بعنوان باب المعنوی فی انتخاب المثنوی تألیف نموده و در تاریخ ۸۷۵ آن کتاب را مختصرتر

۱ - این مولف از احفاد امام فخر رازی است چون در اوایل جوانی و در بیست سالگی شرح ارشاد را نوشته است و لذا با صیغه تصغیر معروف شده و کتب زیادی تألیف نموده است شرح مصباح ، شرح آداب البحت ، شرح امام ، شرح طول ، شرح فصیده برده ، شرح فصیده عینیة ابن سیناء ، شرح کشف از جمله آهست انوار الاحدق ، تحفة السلاطین ، التحفة المحمودیه ، شرح شمسیه ، تفسیر قرآن ، شرح مثنوی و تاریخ هم از جمله کتابهای پارسی اوست مولف در تاریخ ۸۷۵ هجری در استانبول مرحوم شده و در گورستان ایوب انصاری مدفونست .

- کرده است که عده ایات آن باندازه ربع مثنوی بالغ گردیده و بنام لب لباب معنوی و انتخاب انتخاب مثنوی موسوم است و آن مکرر در هندوستان چاپ شده متداول و مشهور است.
- ۹) درویشعلی بن عثمان الشاسی هم منتخبانی بنام مفتاح التوحید تألیف کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه ملی پاریس هست (تاریخ تحریر ۱۸۹۴)
- ۱۰) ضیاء الدین عمر دده معروف بروشنی^۱ (۱۸۹۲) هم شرحی بر مثنوی مولانا نوشته است نسخه ای از آن در کتابخانه خدیو مصری موجود و در تاریخ ۹۶۹ تحریر شده محتوی ۳۵۸ ورق و هر صفحه از آن دارای ۲۷ سطر است .
- ۱۱) عبد الرحمن متخاص به جامی (۱۸۹۸) هم دو رساله یکی در مناقب مولوی و دیگری در شرح دوبیت مطلع مثنوی تألیف کرده است رساله دوم او در اسلامبول چاپ شده است .
- ۱۲) علاء الدین بن یحیی الواعظ الشیرازی نیز شرحی بر مشکلات مثنوی بنام ازهار مثنوی و اوار معنوی بقلم آورده است نسخه ای از آن در کتابخانه حمیدیه استانبول دیده ام .
- ۱۳) ابراهیم دده متخاص بشاهدی از مولویان معروف در تاریخ ۹۳۷ صد بیت از مثنوی برگزیده و تسدیس کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه ملی پاریس هست .
- ۱۴) عبدالوهاب بن جلال الدین همدانی معروف بصابونی که از سخنوران عهد سلطان سلیمان قانونی (۹۸۴ - ۹۲۶) است کتابی بعنوان مناقب خداوندگار بنظم باری آورده است نسخه ای از آن در کتابخانه لالا اسماعیل موجود است .

۱ - دده عمر روشنی برادر علاء الدین حاوتی بوده از علمای سید یحیی شردانی و سرسلسله طایفه روشنی ها است در سال ۸۹۲ در تبریز وفات کرده در محله مقصوده آنجا مدفون و صاحب دیوان و مثنوی است و مجموعه ای هم بعنوان مسکنک مشتمل بر حکایات و غزلیات نیز دارد نسخه ای از این در کتابخانه خدیوی در مصر و نسخه ای دیگر در کتابخانه لالا اسماعیل موجود است (دانشمندان آذربایجان تألیف نگارنده)

- ۱۵) حسن چلبی (۹۴۲) معروف نیز بعض از آیات جلد اول را بنام کاشف الاسرار برگزیده و شرح کرده است (کشف الظنون)
- ۱۶) مصطفی بن شعبان معروف بسروری (۹۶۹) هم شرحی بر مثنوی نوشته است نسخه ای از آن در کتابخانه یکی جامع استانبول هست.
- ۱۷) یوسف دده معروف به سینه چک در تاریخ ۹۸۳ سیصد و شصت بیت از مثنوی انتخاب و بعنوان جزیره مثنوی موسومش کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه لالا اسماعیل استانبول و نسخه ای دیگر در کتابخانه ملی پاریس هست.
- ۱۸) محمود ماقب مثنوی خوان که از مولویان معروف است مناقب خداوندگار را در تاریخ ۹۹۸ بعنوان نواقب ترجمه بترکی کرده و آن در سنه ۱۲۸۱ در استانبول چاپ شده است.
- ۱۹) سودی و سنوی (۱۰۰۰) از مشاهیر تر کها هم شرحی مدققانه بر مجلدات مثنوی نوشته که یکی از مشهورترین شرح این منظومه میباشد.
- ۲۰) شمعی (۱۰۰۲) از فضلالی معروف تر کها نیز شرح مفصلی بر مثنوی نوشته است نسخه ای از آن در ۶ مجلد جزو کتابخانه خدیوی مصر است.
- ۲۱) صاری عبد الله از شهزادگان مغرب (۱۰۷۵) متخلص بو عیدی معروف بر رئیس الکتاب و شارح مثنوی هم شرح مبسوطی در تاریخ ۱۰۱۴ بر مثنوی نوشته است جلد اول آن در دو مجلد محتوی هزار و شصت و هفت ورق میباشد که هر صفحه آن دارای چهل و یک سطر است نسخه ای از آن در کتابخانه خدیوی مصر موجود و نسخه ای دیگر هم در کتابخانه حمیدیه و کوپرلی زاده محمد پاشا در استانبول هست.
- ۲۲) شیخ اسماعیل دده مولوی انقروی^۱ (۱۰۴۲) که از فضلا و

۱ - شیخ سعدی انقروی از مشاهیر مولویانست غیر از کتب مزبوره در متن آثار زیادی تألیف کرده که مصباح الاسرار زبدة العرص فی نفس العصوص فتوح تغیبیه فی تدبیر الارواح الحکیمیه ابصاح الحکم فی شرح هیات النور شرح فصیده الثانیه لابن العارض الحکم الندرجه فی شرح لمنهجه مفتاح البلاغه و مصباح العصافه از جمله آنهاست.

مؤلفین معروف قرن یازدهم هجری است چندین کتاب در این بابها نوشته است منجمه
 سماط الموقنین است در شرح دیباچه منوی و جامع الایات است در شرح آیات قرآنی
 و احادیث منوی و ایات عربی و اشعار مشکله باری در اجزاء شش گانه منوی
 و نصاب مولوی است با اندازه نلث لبالباب که از منوی انتخاب کرده است منهاج الفقراء
 در اصول طریقه سلسله مولویان و حجة السماع است که هر دو معا در تاریخ ۱۲۵۶
 در بولاق مصر چاپ شده و فاتح الایات است در ۶ جلد که در تاریخ ۱۰۳۹ از
 تألیف آن فراغت یافته و در سنه ۱۲۵۱ هجری در بولاق مصر چاپ رسیده معروفترین
 شرح منوی است.

(۲۳) سید عبد الفتاح حسینی عسکری نیز شرحی بعنوان مفتاح المعانی
 و منتخباتی باسم درمکنون تألیف نموده است نسخه ای از هر دو در کتابخانه اود
 هندوستان و نسخه ای از منتخباتش در کتابخانه دانشکده معقول و منقول طهران
 موجود است.

(۲۴) شیخ عبد الحمید مشهور بشیخ سیواس هم شرحی بر منوی مولوی
 نوشته و ناقص مانده است و نیز قصیده میمیه آنحضرت را که ردیف آنها یا انتم است
 او ترکی ترجمه کرده است.

(۲۵) محمد رضا نامی در سنه (۱۰۴۹) (۱۰۸۴) نیز شرحی بر منوی
 بعنوان مکاشفات رضوی نوشته و آن در کشور هند چاپ شده است.

(۲۶) سلیمان متخلص به نجفی (۱۱۵۰) که یکی از سخنوران شهر استانبول
 بوده و در تاریخ ۱۱۰۰ هجری بایران مسافرت کرده است هر فردی از ایات دفاتر
 ششگانه منوی و دفتر هفتم منسوب بمولوی را بایک بیت منظوم ترکی ترجمه کرده
 است و مجموع هر دو منوی باری و ترکی منقلا در هفت جزء بسال ۱۲۶۸ با
 حروف سری نستعلیق در بولاق مصر چاپ شده که یکی از تقایس مطبوعات زبان
 باری محسوب میگردد.

(۲۷) عبد اللطیف بن عبدالله عباسی از معاریف قرن یازدهم هجری نیز

شرحی بعنوان لطائف المعنوی و کتابی دیگر باسم لطائف اللغة مشتمل بر حقائق مثنوی و تحقیق کلمات آن نوشته و هر دو کتاب بسال ۴ و ۱۲۹۲ در کابلور چاپ شده (۲۸) معین الدین عبید الله خوبشکی چشتی^۱ در عهد شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷) نیز شرحی بعنوان اسرار مثنوی و انوار معنوی بر مثنوی نوشته است. نسخه ای از آن در کتابخانه اودهندستان موجود است.

(۲۹) مولانا عبدالعلی ملقب ببحر العلوم نیز شرحی بعنوان فتوحات المعنوی بر این منظومه در تاریخ ۱۱۱۰ نوشته است نسخه ای از آن در کتابخانه بریتش موزئوم موجود و در هند چاپ شده است.

(۳۰) محمد شعبانزاده هم کتابی بعنوان مظهر الاشکال فی بیان لغات المثنوی در تاریخ ۱۱۱۲ جمع آوری کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه چور لیلی علی پاشا در استانبول هست.

(۳۱) اسمعیل حقی برسوی (۱۱۲۷) که یکی از مؤلفین معروف و صاحب تفسیر روح البیان است نیز شرحی بعنوان روح مثنوی تألیف کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه لالا اسمعیل دیده ام.

(۳۲) محمد افضل آله آبادی (۱۱۲۴ - ۱۰۳۸) متخاص بشارات از معمرین هندوستان که بیش از پنجاه جلد کتاب مهم تألیف کرده است شرحی هم بر مثنوی بعنوان حل مثنوی نگاشته است نسخه ای از آن در کتابخانه بریتش موزئوم لندن هست.

(۳۳) ولی محمد اکبر آبادی از معارف هند در تاریخ ۱۱۴۰ هم شرح مشروحه بعنوان مخزن الاسرار تدوین نمود؛ و آن بسال ۱۳۱۲ هجری در لکنهو چاپ شده است (۲ جلد)

۱- ابن مؤلف هندی شرح متعدده بر دیوان خواجه حافظ شیرازی موسوم ببحر الفراسة و خلاصة البحر و جامع البحرين و شرح نزهة الارواح موسوم بهراحة الاشباح و مخزن الحقائق در شرح کنز الدقائق و شرح حرف عالیات و معارج الولاية که در بیان مشایخ هندوستان است تألیف کرده است.

(۳۴) عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی الشهیر با استاد الاسانید (۱۱۴۳) هم کتابی در اصول طریقه مولویها نوشته است نسخه ای از آن در کتابخانه لالا اسماعیل هست.

(۳۵) شیخ مصطفی از مشایخ نامی مولویان قرن دوازدهم هجری (۱۱۴۸) که معروف به ثاقب دده میباشد نیز کتابی بعنوان سفینه نفیسه مولویان مشتمل بر مناقب خلفاء و رجال این سلسله تألیف کرده است و آن بسال ۱۲۸۳ در مطبعه وهبیه مصر در سه جلد چاپ شده است.

(۳۶) سعد الدین سلیمان بن محمد مشهور بمستقیم زاده (۱۲۰۲) نیز شرحی در تاریخ ۱۱۷۱ بر بعضی آیات مننوی نوشته و آنرا المواعظ لسنانیه نام نهاده و کتاب العقود الثاویبه فی طریقه المولویه را نیز از بتر کی ترجمه کرده است نسخه ای از آن در کتابخانه لالا اسماعیل موجود میباشد.

(۳۷) اسرار دده از بلاذغه غالب دده نیز تذکرة الشعرائی در شرح حال شعراء مولویها در تاریخ ۱۲۱۱ بترتیب حروف تألیف کرد است نسخه ای از آن در کتابخانه خدیوی مصر موجود و دارای ۲۹۱ ورق است.

(۳۸) یوسف بن احمد مولوی هم شرح مبسوطی بزبان عربی در شش جلد بعنوان المنهج القوی لطلاب المنوی فیما بین سنوات (۱۲۳۰ - ۱۲۲۲) تألیف کرده و آن بسال ۱۲۸۹ در مطبعه وهبیه قاهره مصر چاپ شده است.

(۳۹) حاجی ملا هادی سبزواری (۱۲۹۰) نیز کتابی بعنوان اسرار مننوی بقلم آورده که بسال ۱۲۸۵ در طهران چاپ شده است.

(۴۰) بنا بنسکارش حاجی خلیفه یکنفر از مشایخ طریقت کتابی بزبان پارسی بعنوان رساله المعنویة فی التطبق بین کلام الشیخ الاکبر والحضرة المولویه نوشته که اولش اینست «سبحان من اثبت حقایق الاشیاء فی حضرة علمه الازلی»

و در عرض همین سال ۱۳۱۶ شمسی هم دو نسخه در طهران چاپ رسیده

که یکی از آنها بعنوان شرح حال مولوی نالیف آقای بدیع الزمان فروزان فر و دیگری با اسم شخصیت مولوی نگارش آقای حسین شجره میباشد.

بهترین مطبوعات مجموعه مثنوی نسخه‌هایی است که بسال ۱۲۶۴ در تبریز و با فهرست و کشف الایات بسال ۱۲۹۹ و ۱۳۰۷ در طهران و بسال ۱۳۴۰ در بمبئی و بسال ۱۳۴۴ در لیدن چاپ شده‌اند این نسخه اخیر بوسیله پرفسر نیکلسون انگلیسی بحلیه طبع در آمده و تمام این منظومه‌ها نیز اوبانگلیسی ترجمه و نشر کرده‌است منتخباتی از غزلیات او را هم آقای هدایت مرحوم در سال ۱۲۸۰ در تبریز بچاپ رسانیده است پرفسر نیکلسون هم منتخباتی از وی بامقدمه مفیدی بزبان انگلیسی در کابریج (۱۸۹۸) انتشار داده و تمام غزلیاتش مکرر در هندوستان و رباعیاتش هم بسال ۱۳۱۲ در استانبول چاپ شده‌است.

رساله ای بنظم و نثر مشتمل بر تقریرات و بیانات مولوی نیز هست که پسرش سلطان ولد بعنوان فیه مافیه من المعارف و الحقایق^۱ جمع آوری کرده و بارساله معارف الولدی فی اسرار الاحدی^۲ تألیف خود سلطان ولد در طهران بسال ۱۳۳۲ هجری چاپ شده است حاجی خلیفه در کشف الظنون رساله بعنوان اسرار نامه نیز بوی نسبت داده است ولی تاکنون دیده نشده‌است.

جرائد استانبول که در همین روزها از آن شهر بطهران رسیده است مژده و تقریظ کتابی را بعنوان هفت بند مولوی انتشار داده اند که عبارت از ۱۲۲ صحیفه متن پارسی و ۱۴۷ صحیفه ترجمه ترکی آن بندها و دارای ۱۰۸ صحیفه مقدمه و شرح حال مولوی است.

بهاء الدین محمد معروف بساطان العلماء (۶۲۸) بدر مولوی بواسطه

۱ - نسخه ای خیلی قدیمی بهین عنوان از این کتاب در کتابخانه حمیدیه موجود است.

۲ - نسخه ای از این کتاب بهین عنوان که نوشته شده است در کتابخانه حمیدیه استانبول و نسخه ای دیگر نزد نگارنده موجود است.

تکدر خاطر بانام خانواده و سیصد نفر از معتقدان و رسیدن مزم زیارت کعبه از بلخ از راه نیشاور حرکت کرده تادارالاسلام بغداد رفت و مدت یکماه در آن شهر تفسیر بسم الله فرمودند تا از تقدیر کردگار عزیمت حجاز افتاد و از حجاز بطرف شام عبور فرموده بارزنجان آمدند و یکشب در خانقاه عصمتیه تاج ملک خاتون که عمه سلطان علاءالدین بود نزول فرمودند خاتون ملک سعید فخر الدین (بهرامشاه) انارالله برهانه خدمات پسندیده بجای آورد و التماس نمود که آنجا بگسله متمکن گردد قبول فرمود و بزودی روان گشت و باقشهر ارزنجان رفت و فصل زمستان آنجا اقامت فرمود خاتون ملک آنجا بگسله خانقاهی انشاء کرد مدت یکسال کمابیش آنجا بگسله ساکن بودند بلکه اسباب ملازمان بتمام مرتب میداشت بعد از آن بطرف روم نهضت فرمودند بشهر قونیه رفت حضرت خداوند گار تا آنوقت بسن چهارده سالگی بوده است (۶۱۸)

مولانا جلال الدین محمد موای روز یکشنبه ششم ربیع الاول سنه ۶۰۴ در بلخ قدم به عالم وجود نهاد و مدت ۶۸ سال بوجود پرچود حضرت خویش اهل جهانرا مشرف گردانیده و روز یکشنبه در فصل دی خامس جمادی الاخری سنه ۶۷۲ بوقت غروب شمس بجوار رحمت رب رحیم پیوسته است اسناد خرقه و تلقین حضرت وی بواسطه محقق ترمذی پدیدش سلطان العلماء بهاء الدین واد تا حضرت رسول (ص) انصال یافته محقق ترمذی از طرف پدر بانا یکی حضرت خداوند گار منسوب بوده و بعد از تحصیل علوم رسمی روزی حضرت ویرا خطاب فرمود که ای جان و نور دیدم اگر چه در علوم رزجها بردی و انگشت نماغشتی اما بدان که و رای این علوم علمی دیگر است خداوند گار را بتحقیق رغبت فرموده طریق سلوک را و آداب مشایخ تلقین کرد حقایقی که از پدرشان تحقیق کرده بود بدیشان تقریر کرد و مدت نه سال تمام صحبت فرمودند و معارف سلطان العلماء^۱ را هزار نوبت

۱ - معارف سلطان العلماء کتابی است مشتمل بر تقریرات مشارالیه نسخه ای

از آن که در سنه ۹۲۷ تجزیر شده و دارای ۱۳۸ ورق و هر صحیفه از این ۱۳ سطر است در کتابخانه خدیوی مصر موجود است .

بخداوند گار اعادت کردند تا آنچه سر نوحید و معرفت برد کما یسبغی بتحقیق رسانیده بعمل آوردند^۱.

حضرت مولوی بس از اخذ تربیت نظری از شیخ عطار و مطالعه اسرارنامه او و حل دقیق معارف پدرش سلطان العلماء و اقتباس حقایق انوار معرفت از محقق ترمذی و مصاحبه و مبادله افکار با حضرت محی الدین عربی و سعد الدین حموی چهل و در سال رفته از عمر خویش ناگاه بملاقات شمس الدین تبریزی^۲ نائل آمده و از تلقینات و ارشادات آن زرگوار آنشی در نهاد وی فروزان گشته و از حرارت آن آفتاب نور و معرفت شیفته و حیران باجذبه و عشق سرشاری پادائرة رقص و سماع و دوران میگذارد و تا آخرین نفس حیات و زندگانی خود غرلهای پر از سوزش و هبجان و مثنوی های مملو از شور و غلیان مبروده است یازده سال پس از غیبت و غروب شمس حقیقت اشعار تبرین را در وصف و تعریف آنجناب چنین فرموده اند :

شمس درخارج اگر چه هست فرد	میتوان هم مثل او تصویر کرد
شمس جان کو خارج آمد از امیر	نبودش در ذهن و در خارج نظیر
شمس تبریزی که نور مطلق است	آفتاب است و ز انوار حق است
واجب آمد چونکه آمد نام او	شرح کردن رمزی از انعام او
این نفس جان دامنم بر نافته است	بوی پیراهان یوسف یافته است
از برای حق صحبت سالها	باز گو حالی از آن خوشحالها
نازمین و آسمان خندان شود	عقل و روح و دبدبه صد چندان شود
آفتابی کز وی این عالم فروخت	اندکی گر بیش نابد جمعه - وخت
فتنه و آشوب و خونریزی مجو	بیش از این از شمس تبریزی مگو
این ندارد آخر از آغار گو	رو نعام آن حکایت باز گو

۱ - شرح حال فوق طور اختصار عینا از مناقب فریدون - پیه سالار نقل شده است .

۲ - ترجمه حال شمس الدین تبریزی مشروحا در دانشمندان آذربایجان تالیف

نگارنده نوشته شده است بدینجا رجوع شود .